

Semiotics of Mahdist Rituals and Their Role in the Resilience of Shi'i Communities

Dr. Reza Shojaei mehr ¹

Abstract

Mahdism, as one of the most fundamental theological and cultural doctrines of Shi'ism, has played a significant role throughout history in shaping collective identity and sustaining social cohesion. This belief functions beyond a merely individual conviction and operates as a socio-civilizational mechanism. Mahdist rituals—such as Du'ā' al-Nudbah, Ziyārat Āl Yāsīn, the ceremonies of mid-Sha'bān, and gatherings of supplication, waiting, and continuous remembrance of the Imam of the Age (PBUH)—are not merely devotional practices, but socio-cultural signs that convey symbolic codes of hope, anticipation, solidarity, and resistance. Through their meaning-producing functions, these signs have historically contributed to the resilience of Shi'i communities in the face of crises, pressures, and threats. The present study adopts a semiotic approach, drawing on theories from the sociology of religion and the concept of social resilience, to analyze Mahdist rituals. These rituals are examined in light of Qur'anic verses, Shi'i narrations, and authoritative supplications. The study then explores the symbolic significations of Mahdist rituals and their role in reproducing hope, strengthening social cohesion, and fostering cultural resistance. The findings indicate that, through ritual codes and sacred texts, these practices contribute to the consolidation of collective identity, the reproduction of future-oriented consciousness, and the formation of spiritual bonds between the individual and society, thereby demonstrating a distinctive capacity to enhance the resilience of Shi'i communities throughout history.

Keywords: Mahdism, semiotics; rituals, resilience, Shi'i communities

1. Instructor of Advanced Levels at the Qom Seminary; Ph.D. in Shi'a Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran(tarid315@gmail.com)



ISSN:2588-3291

عصر آدینه

دوفصل نامه علمی-پژوهشی
ویژه هنر و موعود
سال هجدهم - شماره چهل و دوم
پائیز و زمستان ۱۴۰۴

نشانه‌شناسی مناسک مهدویت و نقش آن در تاب‌آوری جوامع شیعی*

رضا شجاعی مهر^۱

چکیده

مهدویت به مثابه یکی از بنیادی‌ترین آموزه‌های کلامی و فرهنگی شیعه، در طول تاریخ نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت جمعی و پایداری اجتماعی ایفا کرده است. این باورداشت کارکردی فراتر از یک باور فردی داشته و به مثابه سازوکاری اجتماعی - تمدنی عمل می‌کند. مناسک مهدوی هم‌چون دعای ندبه، زیارت آل یاسین، آئین‌های نیمه‌شعبان و مجالس دعا و انتظار و یادکرد مستمر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریک نه تنها صورت‌هایی عبادی، بلکه نشانه‌هایی اجتماعی - فرهنگی‌اند که حامل رمزگان امید، انتظار، انسجام و مقاومت هستند. این نشانه‌ها به واسطه‌ی کارکردهای معنابخش خود در طول تاریخ به تاب‌آوری جوامع شیعی در برابر بحران‌ها، فشارها و تهدیدها یاری رسانده‌اند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد نشانه‌شناسی، و با بهره‌گیری از نظریه‌های جامعه‌شناسی دین و مفهوم تاب‌آوری اجتماعی، به تحلیل مناسک مهدوی پرداخته و آن‌ها را در پرتو آیات قرآن کریم، روایات و ادعیه معتبر شیعی بررسی می‌کند. سپس به تحلیل دلالت‌های نمادین مناسک مهدوی و نقش آن‌ها در بازتولید امید، انسجام اجتماعی و مقاومت فرهنگی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این مناسک از طریق رمزگان آئینی و متون مقدس، به تثبیت هویت جمعی، بازتولید آینده‌گرایی و ایجاد پیوندهای معنوی میان فرد و جامعه کمک کرده و ظرفیت ویژه‌ای در افزایش تاب‌آوری شیعیان در طول تاریخ داشته است.

واژگان کلیدی

مهدویت، نشانه‌شناسی، مناسک، تاب‌آوری، جوامع شیعی.

مقدمه

اندیشه‌ی مهدویت در منظومه‌ی معرفتی و اعتقادی شیعه جایگاهی یگانه دارد. چراکه این آموزه نه تنها به آینده‌ای روشن و سراسر عدالت وعده می‌دهد، بلکه در طول

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹

۱. مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم؛ دکتری شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران
(tarid315@gmail.com).

تاریخ، به مثابه سرچشمه‌ی امید و مقاومت برای جامعه‌ی شیعی عمل کرده است. قرآن کریم با وعده‌ی «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)، افق تاریخ را به سوی تحقق عدالت جهانی می‌گشاید. این آیه که در تفاسیر شیعی به ظهور حضرت مهدی (عج) تفسیر شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۶، ص. ۱۳)، بنیان قرآنی انتظار و مهدویت را ترسیم می‌کند.

باور به امام غائب و انتظار ظهور او نه تنها آموزه‌ای اعتقادی، بلکه الگویی اجتماعی و تمدنی برای ساختن آینده‌ای عادلانه است. این آموزه در بستر تاریخ، هم‌واره به مثابه منبعی الهام‌بخش در برابر فشارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عمل کرده است. در کنار بُعد اعتقادی، مناسک مهدوی همچون دعای ندبه، زیارت آل یاسین و آئین‌های نیمه‌شعبان، بُعد آئینی این باور را شکل می‌دهند. مناسک مهدوی به عنوان نمادهای آئینی این باور، عرصه‌ای برای بازنمایی امید، مقاومت و پایداری جمعی فراهم آورده‌اند. این مناسک در واقع «نشانه»‌هایی اجتماعی و فرهنگی‌اند که به واسطه‌ی رمزگان نمادین خود، معنا و هویت جمعی تولید می‌کنند.

از سوی دیگر، نظریه‌های معاصر در حوزه‌ی تاب‌آوری اجتماعی نشان داده‌اند که امید، آینده‌گرایی و انسجام جمعی، سه مؤلفه‌ی کلیدی برای توانایی جوامع در مواجهه با بحران‌ها هستند (والش، ۲۰۱۶). این مؤلفه‌ها دقیقاً همان عناصری‌اند که مناسک مهدوی در بطن خود حمل می‌کنند. بنابراین، مطالعه‌ی مناسک مهدوی از منظر نشانه‌شناسی، می‌تواند نشان دهد که چگونه این آئین‌ها با خلق و بازتولید معانی جمعی و استفاده از زبان نمادین و رمزگان آئینی، به بازتولید فرهنگ انتظار، تقویت تاب‌آوری شیعیان و افزایش توان جامعه‌ی شیعی در مواجهه با بحران‌ها در طول تاریخ یاری رسانده‌اند.

ضرورت پژوهش

با توجه به این که جوامع شیعی در طول تاریخ با بحران‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مواجه بوده‌اند، یکی از عوامل اصلی بقا و تداوم آن‌ها، باور به مهدویت و مناسک مرتبط با آن بوده است. این مناسک نه تنها کارکرد عبادی، بلکه نقش اجتماعی و هویتی داشته‌اند. در عصر حاضر که جوامع دینی با چالش‌های نوینی

همچون جهانی شدن، فردگرایی افراطی و بحران‌های سیاسی - اجتماعی مواجه‌اند، بررسی این مناسک از منظر نشانه‌شناسی می‌تواند ابعاد جدیدی از نقش آن‌ها در تقویت تاب‌آوری اجتماعی آشکار کند. چنین روی‌کردی هم به غنای مطالعات مهدویت کمک می‌کند و هم ظرفیت‌های دین در حوزه‌ی جامعه‌شناسی دین و مطالعات تاب‌آوری را نشان می‌دهد.

فرضیه‌های پژوهش

۱. مناسک مهدوی (مانند دعای ندبه، زیارت آل‌یاسین و آئین‌های نیمه‌شعبان) به عنوان نظامی نشانه‌ای، حامل معانی جمعی‌اند که امید و آینده‌گرایی را بازتولید می‌کنند.
۲. این مناسک با تقویت انسجام اجتماعی و ایجاد «سرمایه‌ی نمادین» در جوامع شیعی، نقشی اساسی در افزایش تاب‌آوری در برابر بحران‌های تاریخی و معاصر دارند.
۳. کارکرد تاب‌آوری مناسک مهدوی زمانی پایدار خواهد بود که این مناسک به دور از خرافه‌گرایی و استفاده‌ی ابزاری، در بستر معانی اصیل دینی و روایی بازخوانی شوند. پرسش اصلی پژوهش این است که مناسک مهدویت چه دلالت‌های نشانه‌ای دارند و چگونه در تاب‌آوری جوامع شیعی نقش‌آفرینی می‌کنند؟

مبانی نظری

۱. نشانه‌شناسی (Semiotics)

نشانه‌شناسی به عنوان دانشی میان‌رشته‌ای به مطالعه‌ی رمزگان، نشانه‌ها، نظام‌های دلالتی و فرآیندهای معناسازی در متون و آئین‌ها و چگونگی تولید و انتقال معنا می‌پردازد. در این حوزه، نشانه هر چیزی است که بتواند به جای چیز دیگری بنشیند و معنایی را منتقل کند (Eco, 1976: p7). فردینان دو سوسور نشانه را ترکیب دال (signifier) و مدلول (signified) می‌داند (Saussure, 1916-1983: p67). چارلز ساندرس پیرس نیز نشانه را رابطه‌ای سه‌گانه میان «نمود» (Representamen)، «موضوع» (Object) و «تأویل» (Interpretant) تعریف می‌کند (Peirce, 1931-1958: vol 2, p228).

بنابراین، نشانه‌شناسی بستری فراهم می‌آورد که در آن می‌توان پدیده‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی را همچون «متن»ی پر از نشانه‌ها برای تولید معنا تحلیل کرد. در مورد مناسک دینی، در سنت اسلامی نیز می‌توان رویکردی نشانه‌شناختی مشاهده کرد. قرآن کریم مکرراً از «آیه» به معنای نشانه یاد می‌کند: «سُئِرَ بِهِمُ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ» (فصلت: ۵۳). مناسک مهدوی را می‌توان ذیل همین منطق نشانه‌ها فهم کرد: آئین‌هایی که فراتر از ظاهر خود، حامل معنایی ژرف درباره‌ی غیبت، انتظار و امید هستند.

۲. مناسک مهدوی

مناسک مهدوی به مجموعه‌ای از آئین‌ها، دعاها، زیارت‌ها و کنش‌های دینی اطلاق می‌شود که در فرهنگ شیعی با محوریت اعتقاد به آموزه مهدویت سامان یافته‌اند. این مناسک را می‌توان در چارچوب نشانه‌شناسی به منزله‌ی «متن دینی - فرهنگی» مطالعه کرد. به بیان دیگر، هر کنش آئینی (مانند دعای ندبه، نیمه شعبان، زیارت آل یاسین) نه فقط یک عمل عبادی، بلکه «نشانه»ای است که به حضور غائب امام مهدی علیه السلام اشاره کرده و معانی متعددی چون انتظار، امید، عدالت خواهی و هویت جمعی شیعی را تولید و بازتولید می‌کند (Algar, 2011: p243؛ کاظمی، ۱۳۹۸: ص. ۵۴).

از منظر نشانه‌شناسی، مناسک مهدوی «نظامی نشانه‌ای» هستند که از طریق رمزگان‌های زبانی (ادعیه و زیارات)، نمادین (پرچم‌ها، نور، تجمعات) و بدنی (اشک، دعا، حرکت جمعی) معنا را به نسل‌های مؤمنان منتقل می‌کنند و فرهنگ انتظار مهدی علیه السلام را در بستر اجتماعی بازتولید می‌سازند.

۳. تاب‌آوری اجتماعی

مفهوم «تاب‌آوری» (resilience) در علوم انسانی به توانایی فرد یا جامعه برای مقاومت در برابر بحران‌ها، سازگاری با شرایط دشوار و بازسازی پس از آسیب‌ها اشاره دارد. در ادبیات معاصر، تاب‌آوری اجتماعی دارای مؤلفه‌هایی هم‌چون انسجام اجتماعی، امید به آینده، هویت مشترک و سرمایه‌ی معنوی است (والش، ۲۰۱۶؛ نورمن، ۲۰۱۸). از منظر دینی، می‌توان تاب‌آوری را معادل پایداری و استقامت در برابر ابتلائات دانست. قرآن کریم می‌فرماید: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵)؛ صبر در این‌جا نه یک

حالت انفعالی، بلکه راه‌بردی فعال برای پایداری در برابر مشکلات است. روایات شیعی نیز بر این معنا تأکید دارند؛ از جمله کلام امام علی علیه السلام: «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيْمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ». (نهج البلاغه: حکمت ۸۲). بنابراین، تاب‌آوری اجتماعی در فرهنگ اسلامی - شیعی، ریشه در آموزه‌های قرآنی و روایی دارد.

۴. پیوند مناسک دینی و تاب‌آوری

مناسک دینی با بازتولید معنا بخشی، انسجام و امید، بستر لازم برای افزایش تاب‌آوری را فراهم می‌آورند. دورکیم در صور بنیانی حیات دینی، مناسک را تجلی عینی اراده‌ی جمعی می‌داند که با بازتولید احساس تعلق، انسجام اجتماعی را تقویت می‌کنند. پی‌یر بوردیو نیز مناسک را تولیدکننده‌ی «سرمایه‌ی نمادین» معرفی می‌کند که در میدان‌های اجتماعی به حفظ هویت و قدرت گروهی یاری می‌رساند (بوردیو، ۱۹۹۱).

در جوامع شیعی، مناسک مهدوی دقیقاً چنین کارکردی داشته‌اند و زمینه‌ی پایداری در برابر فشارها و بحران‌های تاریخی را فراهم ساخته‌اند. این آئین‌ها با تولید امید به آینده، بازتولید هویت جمعی و پیوند دادن فرد با جامعه‌ی مؤمنان، تاب‌آوری شیعیان را در مواجهه با بحران‌های تاریخی و سیاسی تقویت کرده‌اند. به تعبیر روایات، «انْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ». (طوسی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ص. ۴۵۹)، یعنی خود انتظار و آئین‌های مرتبط با آن، بخشی از رهایی و مقاومت به‌شمار می‌آید.

نشانه‌شناسی مناسک مهدویت

نشانه‌شناسی مناسک مهدویت به معنای تحلیل و تفسیر آئین‌ها، اعمال و نمادهای مرتبط با باور به امام مهدی علیه السلام از منظر علم نشانه‌شناسی (Semiotics) است. در این روی‌کرد، مناسک نه صرفاً اعمال عبادی، بلکه «متون نمادین» تلقی می‌شوند که حامل معانی عمیق در حوزه هویت دینی، انتظار و بازتولید فرهنگ مهدوی‌اند.

مناسک مهدویت، هم‌چون دعاها، زیارات و مجالس انتظار، واجد لایه‌های عمیقی از نشانه‌ها و رمزگان معنایی‌اند که نه تنها بر هویت دینی فرد شیعی تأثیرگذارند، بلکه به مثابه ابزارهایی برای بازتولید و تقویت تاب‌آوری اجتماعی عمل می‌کنند.

به بیان دیگر، نشانه‌شناسی می‌کوشد مناسک مهدوی هم‌چون دعای ندبه، زیارت آل‌یس، نیمه شعبان، و آئین‌های انتظار و دعا برای فرج را به عنوان نظامی از نشانه‌ها و

دلالت‌ها بررسی کند. این مناسک، علاوه بر بُعد عبادی، «بازنمایی‌های فرهنگی-اجتماعی» از اندیشه مهدویت ارائه می‌دهند و هویت جمعی شیعه را در بستر زمان و مکان حفظ و بازتولید می‌کنند (کریستوا، ۱۹۸۶: ص. ۲۳؛ بارت، ۱۹۹۰: ص. ۱۱۲). از منظر علوم اسلامی نیز، روایات فراوانی وجود دارد که به نقش این مناسک در حفظ ایمان و هویت دینی شیعیان در عصر غیبت اشاره می‌کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

طُوبَى لِّشِيعَةٍ قَائِمِنَا، الْمُتَنَظِّرِينَ لظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ، وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ (نعمانی، ۱۴۰۵ق: ص. ۲۰۰).

این روایت نشان می‌دهد که مناسک انتظار و دعا، نقش هویتی و معرفتی دارند.

۱. ادعیه مهدوی (دعای ندبه، فرج، عهد، غریق، سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

ادعیه مهدوی در سنت شیعی کارکردی دوگانه دارند: از یک سو بیان‌گر نیاز و شوق جامعه به حضور امام غایب و از سوی دیگر ابزاری برای بازتولید امید و تاب‌آوری در شرایط سخت هستند.

الف) دعای ندبه (نشانه‌ی فقدان و اشتیاق)

ادعیه مهدوی، به ویژه دعای ندبه و دعای عهد، سرشار از نشانه‌هایی هستند که مفهوم انتظار، امید و پایداری را درونی می‌سازند. در دعای ندبه، فرازهایی هم چون «أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلُّ الْأَعْدَاءِ» (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ص. ۲۷۱) نشانه‌ای از پیوند میان ظهور موعود و تحقق عدالت اجتماعی است. این بیان زبانی، همزمان دلالت بر نفی وضعیت موجود ستم و تأکید بر امکان آینده‌ای متفاوت دارد؛ از این رو، ساختار نشانه‌ای دعا، نظامی معنایی می‌سازد که شیعیان را به پایداری در برابر بحران‌ها فرا می‌خواند.

دعای ندبه از مهم‌ترین متون آئینی شیعه است که در اعیاد و روزهای جمعه قرائت می‌شود. این دعا از حیث نشانه‌شناسی حامل دلالت‌های چندلایه است:

دال‌های زبانی: عبارت‌هایی چون «أَيْنَ الْحَسَنُ؟ أَيْنَ الْحُسَيْنُ؟» بازنمایی فقدان امام و فقدان عدالت تاریخی‌اند. در متن این دعا، شیعه با لحن پرسشگرانه و اندوهگین بارها فقدان امام غائب را فریاد می‌زند: «أَيْنَ الْحَسَنُ؟ أَيْنَ الْحُسَيْنُ؟... أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ؟». این عبارات نشانه‌ای از داغ فقدان و احساس یتیمی جمعی است. از منظر نشانه‌شناختی، ندبه کردن نه تنها بیانگر غیبت امام است بلکه مکانیزمی برای زنده نگاه داشتن شوق

ظهور در ضمیر جمعی شیعیان محسوب می‌شود. به همین دلیل، دعای ندبه در طول تاریخ به عنوان عامل انسجام اجتماعی عمل کرده و شیعیان را در شرایط سخت سیاسی و اجتماعی به مقاومت و امیدواری واداشته است.

مدلول اجتماعی: این پرسش‌های تکراری، «حافظه‌ی جمعی» شیعیان را فعال می‌سازد و آنان را در یک هم‌حسی مشترک گرد می‌آورد.

بُعد قرآنی: مضمون دعا همسو با آیه‌ی «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا» (معارج: ۶-۷) است؛ یعنی مؤمنان غیبت را فقدان نمی‌دانند، بلکه نزدیک به حضور می‌بینند. از نظر جامعه‌شناختی، دعای ندبه کارکردی شبیه «آئین‌های یادآوری» دارد که دورکیم آن‌ها را عامل تقویت انسجام و بازتولید همبستگی می‌داند.

دعای ندبه به عنوان یکی از متون شاخص مهدوی، حامل نشانه‌های متعددی از غیبت و انتظار است. فرازهای پراز حزن و امید آن، هم‌زمان دلالت بر فقدان امام و اشتیاق به حضور او دارند. در این دعا، نشانه‌هایی هم‌چون «ندبه»، «انتظار»، «فقدان» و «موعود» به مثابه رمزگان فرهنگی عمل کرده و به بازتولید امید جمعی یاری می‌رسانند. براساس روایات، این دعا در روزهای عید و جمعه خوانده می‌شود (شیخ عباس قمی، مفاتیح‌الجنان) و بدین‌سان پیوندی آئینی میان زمان مقدس و انتظار جمعی ایجاد می‌گردد.

(ب) دعای فرج (نشانه امید و استغاثه)

دعای مشهور «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ...» که به دعای سلامتی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف شهرت دارد، در واقع یکی از مهم‌ترین نشانه‌های جمعی امید در جامعه شیعی است. این دعا که از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است (کفعمی، ۱۴۰۵ق، ص. ۵۸۶). هر روز در مساجد و هیئات تکرار می‌شود. مضمون دعا، رمزگان معنایی حضور همیشگی امام در زندگی شیعیان و طلب نصرت و سلامتی برای اوست. این استغاثه، پیوند عاطفی و معنوی جامعه با امام غائب را تقویت می‌کند و از منظر نشانه‌شناختی، نوعی «کُد جمعی امید» می‌آفریند. استمرار این دعا در حافظه آئینی شیعه، ابزاری مؤثر برای تاب‌آوری در برابر ناملازمات تاریخی بوده است.

هم‌چنین جمله «فَجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا فَرْجًا وَمَخْرَجًا» (کفعمی، ۱۴۰۵ق، ص. ۵۴۴)،

طلب امید و گشایش است. استمرار این دعا نیز در هیئت‌ها، نماز جماعت و مجالس خانگی، بیان‌گر تبدیل آن به یک «نشانه جمعی امیدآفرینی» است.

ج) دعای عهد (نشانه پیمان‌مندی و آمادگی)

دعای عهد که توصیه شده هر صبح قرائت شود، با عباراتی همچون «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ» به نوعی بازخوانی عهد و پیمان با امام مهدی (عجله) می‌پردازد. این دعا در سطح فردی، نشانه تعهد اخلاقی و روحی است و در سطح جمعی، سازوکاری برای تولید هویت مبارزاتی و انتظار فعال به شمار می‌رود. در واقع، دعای عهد شیعیان را از یک حالت منفعلانه در انتظار، به یک هویت مسئولانه و آماده‌ی اقدام تبدیل می‌کند. این کارکرد، به‌ویژه در زمانه بحران‌ها و فشارهای اجتماعی، موجب حفظ روحیه پایداری و تاب‌آوری شده است.

فراز کلیدی: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عَشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي» به‌طور صریح بازسازی پیمان با امام را نشان می‌دهد. همچنین جمله «اللهم اجعلني من أنصاره ... والمستشهادين بين يديه» (کفعمی، ۱۴۱۸ق، ص. ۸۳) نشانه‌ای از مسئولیت‌پذیری جمعی است. این فرازها، انسان منتظر را از منفعل به کنشگر تبدیل می‌کنند و انتظار را به «انتظار مسئولانه» بدل می‌سازند.

هم‌چنین دعای عهد با عبارت آغازین «اللَّهُمَّ رَبِّ الثُّورِ الْعَظِيمِ...» (کفعمی، ۱۴۱۸ق، ص. ۸۳) دلالتی زبانی و نمادین دارد بر عهدی مستمر میان منتظران و امام غایب. تکرار این دعا هر صبح، نه صرفاً عمل عبادی، بلکه مناسکی نشانه‌ای است که تاب‌آوری فردی و جمعی را بازتولید می‌کند؛ زیرا پیوند نمادین با امام را به یادآورده و آن را در سطح زندگی روزمره جاری می‌سازد.

د) دعای غریق (نشانه اضطراب و تمسک در غیبت)

دعای غریق که از امام صادق (ع) نقل شده است: «یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبي علی دینک» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ص. ۲۸۶)، به‌عنوان دعایی برای دوران فتنه‌ها و غیبت شناخته می‌شود. تعبیر «غریق» در ادبیات دعایی، نشانه‌ی وضعیت اضطراری و نیاز شدید به نجات است. این دعا بازنمایی حالتی است که شیعیان در طول تاریخ، خود را در دریای فتنه‌ها و فشارها می‌دیدند و به استغاثه به خدا و ولی او پناه

می‌بردند. از منظر نشانه‌شناسی، دعای غریق نشان می‌دهد که غیبت به مثابه یک «بحران» تجربه شده و دعا مکانیزمی برای عبور از این بحران و تقویت تاب‌آوری جمعی بوده است.

۲. زیارات مهدوی (زیارت آل یاسین، زیارت جامعه کبیره، زیارت امام حسین علیه السلام با محوریت قائم فرجه الشریف، زیارت ناحیه مقدسه)

زیارات مهدوی نوعی مواجهه متنی و معنوی با امام غائب هستند که احساس حضور و ارتباط را تقویت می‌کنند.

الف) زیارت آل یاسین (نشانه‌ی حضور در غیبت)

زیارات مرتبط با امام مهدی علیه السلام، به ویژه «زیارت آل یاسین»، واجد کارکرد هویتی و نشانه‌ای برجسته‌اند. در این زیارت، عبارات «السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ...» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ص. ۷۷۷).

نوعی رمزگان زمانی و مکانی می‌آفرینند که حضور امام را در تمام شئون زندگی مؤمن فراگیر می‌سازد. این حضور نشانه‌ای، موجب بازتولید حس پایداری در برابر دشواری‌ها می‌گردد، زیرا انتظار به مثابه راهبردی فرهنگی - معنوی، در تمام لحظات زیست مؤمنانه جریان می‌یابد. این حضور همه‌جانبه در متن زیارت، در حقیقت پاسخ به دغدغه‌ی «غیبت» است؛ یعنی اگرچه امام از نظر جسمانی غائب است، اما در وجدان و حیات شیعه به عنوان حضوری فعال و دائم باقی می‌ماند. بدین ترتیب، زیارت آل یاسین نشانه‌ای است از تداوم ارتباط روحی و معنوی با امام و کارکردی دارد که مانع از احساس بی‌پناهی یا گسست هویتی در دوران غیبت می‌شود.

زیارت آل یاسین به عنوان متنی خطاب به امام مهدی علیه السلام، نشانه‌ی ارتباط مستمر شیعیان با امام غایب است. این متن، با تکرار سلام‌ها و خطاب مستقیم، «حضور در غیبت» را بازنمایی می‌کند. نشانه‌های زبانی آن، ساختاری دیالوگ‌گونه دارد که رابطه‌ی نمادین میان امت و امام را تقویت می‌کند.

این زیارت، غیبت را از یک «فقدان مطلق» به «حضور معنوی» تبدیل می‌کند. مشابه این مضمون را در دعای «اللهم بلغ مولای صاحب الزمان...» می‌بینیم که در آن مؤمن سلامش را با اطمینان از وصول به امام می‌فرستد.

هم چنین در این زیارت، شیعیان با تکرار سلام‌هایی چون «السلام علیک یا داعی الله و ربانی آیاته» نوعی گفتمان ارتباطی با امام غائب برقرار می‌کنند. نشانه‌های خطاب مستقیم: «السلام علیک» در این متن نماد حضور و دیالوگ است. مدلول ایمانی: استمرار پیوند با امام، حتی در دوران غیبت. ریشه‌ی قرآنی: مضمون این زیارت یادآور آیه‌ی «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (آل عمران: ۱۰۳) است که حبل الله را به امام معصوم تفسیر کرده‌اند. از منظر بوردیو، این زیارت تولید «سرمایه‌ی نمادین» می‌کند؛ زیرا شیعیان از طریق تداوم سلام‌ها، هویت جمعی خود را در پیوند با امام غائب بازسازی می‌کنند.

ب) زیارت جامعه کبیره (نشانه پیوند ولایت و مهدویت)
در زیارت جامعه کبیره، فرازی چون «بِکُمْ يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا» مستقیماً به نقش امام مهدی (عج) در تحقق عدالت اشاره دارد. اگرچه زیارت برای همه ائمه است، ولی تأکید آن بر تداوم ولایت، رمزگان مهدوی را هم در بر دارد. این زیارت نشانه‌ای است از تداوم خط امامت تا ظهور منجی موعود.

ج) زیارت ناحیه مقدسه (نشانه اتصال عاشورا و مهدویت)
در این زیارت، امام مهدی (عج) خطاب به جدش امام حسین (ع) می‌گوید: «فلو أتی کنت معک فی الطفوف...». این فراز، پیوند عاطفی و اعتقادی امام مهدی (عج) با عاشورا را نشان می‌دهد. از این منظر، زیارت ناحیه، عزاداری حسینی را به فرهنگ انتظار پیوند می‌دهد و عزاداران را در انتظار انتقام‌گیرنده خون حسین نگه می‌دارد.

۳. آئین‌های عبادی و مناسکی (نیمه شعبان، شب قدر، دعای افتتاح در ماه رمضان، ختم صلوات مهدوی، دعا برای تعجیل فرج)

آئین‌های عبادی و مناسکی چون نیمه شعبان به عنوان «عید منتظران»، شب قدر، دعای افتتاح در ماه رمضان، ختم صلوات مهدوی، دعا برای تعجیل فرج جایگاهی ویژه در بازتولید امید اجتماعی دارند.

الف) آئین نیمه شعبان (نشانه‌ی امید و آینده‌گرایی)
نیمه شعبان در فرهنگ شیعه نه تنها جشن میلاد امام مهدی (عج) بلکه نمادی از امید به آینده است. چراغانی، نذر و اطعام، گردهمایی‌های جمعی مؤمنان در این شب و

دعاها، همگی نشانه‌هایی از شادی و امید در دل جامعه تولید می‌کنند. در این آئین، نور و جشن به عنوان رمزگان آئینی، آینده‌ای روشن و نجات بخش را تداعی می‌کنند. دعای معروف در این شب: «اللهم بحق هذه الليلة ومولودها...» تأکید دارد بر این که ولادت امام نوید تحقق عدالت است (ابن بابویه، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ص ۴۳۱). روشنایی چراغ‌ها، شب‌زنده‌داری و دعای دسته جمعی همه به مثابه رمزگان امید و روشنایی در دل تاریکی عمل می‌کنند. چراغانی‌ها، اطعام‌ها و گردهمایی‌های مؤمنان در این شب، همگی حامل دلالت‌های نمادین‌اند:

نشانه‌های نور و روشنایی: چراغ و شمع، رمزهایی از ظلمت غیبت‌اند. مدلول اجتماعی: اجتماع مؤمنان در این شب، انسجام جمعی و امید به آینده را تقویت می‌کند.

ریشه‌ی قرآنی: آیه‌ی «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا...» (قصص: ۵) دقیقاً وعده‌ی همان آینده‌ای است که این آئین بازنمایی می‌کند. از نگاه نظریه‌ی تاب‌آوری، آئین نیمه شعبان «منبع امید» محسوب می‌شود و امید یکی از شاخص‌های اصلی تاب‌آوری است (والش: ۲۰۱۶م).

ب) شب قدر (نشانه حضور امام در تدبیر الهی)

در روایات آمده است که تقدیر امور در شب قدر بر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف عرضه می‌شود: «إنا أنزلناه في ليلة القدر... تنزل الملائكة والروح فيها بإذن ربهم من كل أمر» (سوره قدر). امام باقر عليه السلام فرمودند: «الملائكة تعرض على الإمام ما يكون في السنة» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۲۴۹). از این منظر، شب قدر مناسکی است که یادآور حضور دائمی امام در نظام الهی است و نشانه‌ای از پیوند مهدویت با تدبیر امور عالم است.

ج) دعای افتتاح (نشانه طلب دولت کریمه)

در ماه رمضان خوانده می‌شود: «اللهم إنا نرغب إليك في دولة كريمة تعز بها الإسلام وأهله وتذل بها النفاق وأهله». این دعا نشانه آشکار از آرمان مهدوی و آینده‌گرایی شیعی است. طلب دولت کریمه در شرایط ظلم تاریخی، رمزگان امید اجتماعی و سیاسی برای جوامع شیعی بوده است (شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان).

۴. آئین‌های اجتماعی - فرهنگی (هیئت‌ها و عزاداری‌های پیوندخورده با مهدویت، مراسم انتظار در ادبیات آئینی، آئین‌های دعای دسته‌جمعی در بحران‌ها)

الف) هیئت‌ها و آئین‌های عزاداری با محور مهدویت

در سطح اجتماعی، آئین‌هایی چون هیئت‌ها و عزاداری‌های پیوندخورده با مهدویت نقشی کلیدی در تاب‌آوری دارند. در این مراسم‌ها، یاد امام حسین (علیه السلام) با فرهنگ انتظار آمیخته می‌شود؛ چنان‌که در روایات آمده:

القائم من ولدی له غیبة... و بیکی علیه أهل السماء و الأرض (نعمانی، ۱۴۰۵ق: ص. ۷۱).

بسیاری از آئین‌های عاشورایی و عزاداری محرم و صفر، حامل رمزگان و نشانه‌هایی مهدوی‌اند. از جمله شعار «یا لثارات الحسین» که دلالت بر قیام مهدی (علیه السلام) دارد یا نوحه‌هایی با مضمون «اللهم عجل لولیک الفرج»، پیوندی نشانه‌ای میان عاشورا و ظهور برقرار می‌سازند. این نشانه‌ها استمرار پیوند میان عاشورا و انتظار را بازتولید کرده و فرهنگ مقاومت را تقویت می‌کنند. فرازهای روایات: «القائم من ولدی یثأر للحسین» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ص. ۵۷) نشان می‌دهد که عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) در اصل آماده‌سازی برای ظهور است. شعار «یا لثارات الحسین» نمادی است از پیوند گذشته (عاشورا) با آینده (ظهور). از این رو، مجالس عزاداری همزمان سوگواری‌اند و آئینی برای تاب‌آوری و امید.

دلالت تاریخی: ظلم‌های گذشته (عاشورا) با وعده‌ی آینده (ظهور) به هم متصل می‌شوند.

ریشه‌ی روایی: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «إذا قام القائم ینادی منادی یا لثارات الحسین» (نعمانی، ۱۴۰۵ق، ص. ۲۳۲).

مدلول اجتماعی: بازتولید فرهنگ مقاومت و حفظ هویت در برابر سلطه.

ب) سرودهای آئینی و دعای دسته‌جمعی در بحران‌ها

آئین‌های دعای جمعی برای تعجیل فرج در بحران‌ها، نوعی مدیریت معنوی بحران و همبستگی اجتماعی ایجاد می‌کنند. مراسم نیمه‌شعبان در شهرهای شیعی علاوه بر بُعد عبادی، به آئین‌های فرهنگی - اجتماعی چون جشن‌ها و سرودهای آئینی پیوند خورده و امید به آینده را در سطح جامعه بازتولید می‌کند. حتی در ادبیات آئینی، اشعار دعایی و

سروده‌های انتظار، بخش مهمی از حافظه فرهنگی - اجتماعی مهدویت را شکل می‌دهند.

نقش مناسک مهدوی و تاب‌آوری جوامع شیعی

مناسک مهدوی در فرهنگ شیعه، کارکردی چندلایه دارند و از سطح فردی فراتر رفته و به ابزار اجتماعی برای تقویت تاب‌آوری جمعی بدل شده‌اند. تأثیر و کارکرد این مناسک در تحمل و تاب‌آوری جوامع شیعی را بررسی خواهیم کرد.

۱. بازتولید امید و آینده‌گرایی

یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های تاب‌آوری، دمیدن روح امید در زندگی فردی و جمعی است. مناسک مهدوی، به‌ویژه دعای ندبه و جشن نیمه شعبان، حامل پیام روشن «انتظار آینده‌ای بهتر» هستند. مناسک مهدوی با تأکید بر ظهور و آینده‌ی عادلانه، سرمایه‌ای نمادین از امید تولید می‌کنند. این امید نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح جمعی، جامعه را در برابر یأس و بحران‌های تاریخی مقاوم می‌سازد.

قرآن مکرر بر پیوند میان سختی و گشایش تأکید دارد: ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (شرح: ۵-۶). مناسک مهدوی دقیقاً این مضمون را به تجربه‌ی اجتماعی تبدیل می‌کنند. هر دشواری امروز، وعده گشایش فردا را در دل خود دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ (ابن بابویه، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ص ۶۴).

آموزه‌ی «انتظار» خود به مثابه عبادتی بزرگ معرفی شده است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ هَذَا الْأَمْرَ كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۱۴۵).

آئین‌هایی چون دعای ندبه و جشن نیمه شعبان، امید به آینده را از سطح فردی به سطح اجتماعی ارتقا داده و آن را به سرمایه‌ای جمعی تبدیل می‌کنند. در دوره‌ی صفویه، برگزاری گسترده‌ی مراسم نیمه شعبان در اصفهان و مشهد، افزون بر وجه عبادی، به ابزاری برای تقویت هویت شیعی و مقابله با تهدیدهای عثمانی تبدیل شد (مدرسی طباطبایی، ۱۹۹۲م، ص ۸۷). بدین سان، مناسک مهدوی زمینه‌ساز نوعی آینده‌گرایی

جمعی می‌شوند که از شاخص‌های اصلی تاب‌آوری اجتماعی است (Walsh, 2016: p45).

این نگاه، جوامع شیعی را قادر ساخته است در برابر فشارهای سیاسی و اجتماعی، به جای تسلیم، آینده‌ای روشن را تصور کنند و مسیر مبارزه و پایداری را ادامه دهند.

۲. انسجام اجتماعی و هویت جمعی

مناسک مهدوی همچنین به انسجام اجتماعی و بازتولید هویت جمعی کمک می‌کنند. قرآن کریم وحدت امت را چنین یادآور می‌شود: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء: ۹۲). روایات نیز بر پیوند اجتماعی تأکید دارند. چنان‌که امام باقر (ع) می‌فرماید: «انما يأمر الله عزوجل بالجماعة» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۲، ص. ۲۹۳).

اجتماع‌های پرشور نیمه‌شعبان یا قرائت همگانی دعای ندبه، نمونه‌های عینی تحقق این اصل‌اند که به تعبیر دورکیم، «وجد جمعی» را می‌آفرینند (Durkheim, 1912: p214). در دوران قاجار و پهلوی، مجالس دعای ندبه در شهرهایی چون قم و کاشان علاوه بر بعد عبادی، بستری برای اعتراض‌های اجتماعی علیه سیاست‌های حاکمیت بودند و نوعی «سرمایه‌ی نمادین» به تعبیر بورديو تولید می‌کردند (مطهری، ۱۳۶۸: ص. ۵۵). این تجربه‌ها نشان می‌دهد که مناسک مهدوی، از دیرباز نقشی هویتی و انسجام‌بخش برای شیعیان ایفا کرده‌اند.

از این منظر، مناسک مهدوی هم هویت دینی مشترک می‌سازند، هم سرمایه‌ی اجتماعی را تقویت می‌کنند.

۳. مقاومت فرهنگی - سیاسی

پیوند میان مناسک مهدوی و فرهنگ مقاومت، وجه دیگری از کارکردهای تاب‌آورانه است. شعار «یا لثارات الحسین» که در روایات به ندای قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت داده شده (نعمانی، ۱۴۰۵ق، ص. ۲۳۲)، حلقه‌ی اتصال میان عاشورا و ظهور است. این مضمون در طول تاریخ، به ویژه در انقلاب اسلامی ایران، کارکردی سیاسی و بسیج‌گرانه یافت. شعار «اللهم عجل لولیک الفرج» در تظاهرات مردمی دهه‌ی ۱۳۵۰ش نه تنها ذکری دعایی، بلکه رمز هویتی مقاومت علیه استبداد پهلوی بود (کدی، ۱۹۸۰م: ص. ۲۷۶). این همان تحقق

و عده‌ی قرآنی است که می‌فرماید: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵). بنابراین مناسک مهدوی در عمل، نه تنها امید، بلکه انرژی اجتماعی مقاومت را نیز برمی‌انگیزاند.

در طول تاریخ، شیعیان در مواجهه با سرکوب سیاسی و فشارهای اجتماعی، از مناسک مهدوی به عنوان ابزاری برای حفظ هویت و مقاومت بهره گرفته‌اند. آئین‌های مهدوی با بازتولید فرهنگ انتظار، جوامع شیعی را در برابر سلطه‌ها و بحران‌ها تاب‌آور کرده‌اند.

تاریخ تشیع سرشار از بحران‌ها و فشارهای سیاسی است. مناسک مهدوی با پیوند دادن گذشته (عاشورا) و آینده (ظهور)، فرهنگ مقاومت را بازتولید کرده‌اند.

نماد عاشورا و ظهور: شعار «یا لثارات الحسین» که در روایات به ندای قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف نسبت داده شده است. (نعمانی، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص. ۲۳۲).

کارکرد اجتماعی: چنین نشانه‌هایی شیعیان را در برابر استبداد و استعمار مقاوم ساخته است.

نمونه تاریخی: قیام‌های شیعی، مانند نهضت‌های قرون اولیه یا جنبش‌های معاصر (انقلاب اسلامی ایران)، بارها از فرهنگ انتظار و آئین‌های مهدوی الهام گرفته‌اند.

۴. سرمایه‌ی معنوی و آرامش روانی

از دیگر کارکردهای تاب‌آورانه مناسک مهدوی، تولید آرامش روانی و ثبات معنوی است. دعاهایی هم‌چون «دعای عهد» که در آن مؤمن هر صبح بیعت خویش را با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف تجدید می‌کند. «اللهم إني أجدد له في صبيحة يومي هذا عهداً وعقداً وبيعةً له في عنقي». (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ص. ۶۶۶-۶۶۳). این عهد روزانه به مؤمن احساس ثبات و امنیت روانی می‌دهد.

تاب‌آوری فردی، از این طریق به تاب‌آوری جمعی پیوند می‌خورد.

قرآن کریم این حقیقت را تأکید کرده است: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸). در عراق معاصر نیز، آئین‌های نیمه‌شعبان در نجف و کربلا با حضور میلیون‌ها زائر، نوعی «مکانیزم تاب‌آوری معنوی» در برابر ناامنی و خشونت جنگ‌ها پدید آورد (Luizard, 2004: p163).

قرآن آرامش را در یاد خدا می‌داند: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸). مناسک مهدوی مصداق بارز این یاد هستند. چرا که پیوند با امام غائب را در قالب ادعیه و زیارات تحقق می‌بخشند. بنابراین مناسک مهدوی علاوه بر کارکرد اجتماعی، در سطح فردی نیز منبع آرامش‌اند.

۵. بازتولید فرهنگ مقاومت در عصر جهانی‌شدن

امروزه مناسک مهدوی در سطحی فراملی بازنمایی می‌شوند. اجتماعات میلیونی نیمه‌شعبان در ایران و عراق، که به صورت رسانه‌ای به جهان مخابره می‌شوند، هویت شیعی را در عرصه‌ی جهانی تثبیت کرده‌اند. به تعبیر کاستلز، این آئین‌ها «شبکه‌ای از هویت مقاومت» ایجاد می‌کنند (Castells, 1997: p78) که مانع از استحاله‌ی فرهنگی شیعیان در فرآیند جهانی‌شدن می‌شود. بدین ترتیب، مناسک مهدوی علاوه بر کارکرد محلی، به منبعی برای تاب‌آوری هویتی در سطح جهانی تبدیل شده‌اند. در جهان معاصر که هویت‌های محلی در معرض تهدید رسانه‌ها و فرهنگ مصرفی قرار دارند، مناسک مهدوی به مثابه «زبان نمادین مقاومت» عمل می‌کنند. نشانه‌های نور در نیمه شعبان یا شعار «اللهم عجل لولیک الفرج» در عزاداری‌ها، بازتولیدکننده‌ی هویتی هستند که مانع استحاله‌ی فرهنگی می‌شود. این بخش نشان می‌دهد که آئین‌های مهدوی فقط امور عبادی فردی نیستند، بلکه نقش جدی در تقویت تاب‌آوری، انسجام و مقاومت جوامع شیعی ایفا می‌کنند.

جمع‌بندی

مناسک مهدوی با تلفیق ابعاد معنوی (آیات و روایات)، اجتماعی (انسجام و امید جمعی) و تاریخی (از صفویه تا انقلاب اسلامی و عراق معاصر)، به عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تاب‌آوری جوامع شیعی عمل کرده‌اند. این مناسک در هر مقطع تاریخی، بسته به شرایط، کارکردی تازه یافته‌اند، اما جوهره‌ی آن‌ها هم‌واره یک چیز بوده است: زنده نگاه داشتن امید به آینده و مقاوم ساختن جامعه در برابر بحران‌ها.

چالش‌ها و آسیب‌ها

۱. سطحی‌گرایی و نمادگرایی شعاری

یکی از آسیب‌های رایج، فرو کاستن مناسک به ظواهر و شعارهاست؛ به گونه‌ای که عمق معنوی آن‌ها نادیده گرفته شود. یعنی اگر آئین‌ها به نمادهای توخالی تقلیل یابند، کارکرد تاب‌آوری‌شان تضعیف خواهد شد. مثال: تبدیل نیمه‌شعبان به صرفاً جشن و چراغانی، بدون توجه به معنای امید و انتظار.

قرآن: «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف: ۳).
روایت: امام صادق علیه السلام فرمود: «كونوا دعاة لنا بغير ألسنتكم» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۷۸).

تقلیل مناسک به ظاهر بدون درک ژرفای نشانه‌ای آن‌ها، موجب کاهش کارکرد تاب‌آوری می‌شود.

۲. خرافه‌گرایی و بدعت‌ها

افزودن عناصر غیرمعتبر به آئین‌ها، موجب تحریف پیام اصیل مهدویت می‌گردد. برخی آئین‌ها ممکن است به مرور با خرافات و بدعت‌ها آمیخته شوند. این امر موجب می‌شود کارکرد عقلانی و معنوی مناسک، تحت الشعاع رفتارهای غیرمستند قرار گیرد.
قرآن: «وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف: ۳۳).
روایت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «كل بدعة ضلالة» (حر عاملی، ۱۴۰۷ق: ج ۱۱، ص ۲۹۵).
افراط در خرافه‌گرایی، نه تنها مانع تاب‌آوری است، بلکه باعث سستی ایمان و ازخودبیگانگی فرهنگی می‌شود.

۳. استفاده ابزاری سیاسی

بهره‌برداری سیاسی کوتاه‌مدت از مناسک، می‌تواند سرمایه‌ی معنوی آن‌ها را تضعیف کند. گاه مناسک مهدوی در دست گروه‌ها یا جریان‌های خاص، به ابزار قدرت و رقابت سیاسی بدل می‌شوند.
نمونه تاریخی: بهره‌برداری برخی حکومت‌ها از شعار مهدویت برای مشروعیت بخشی به خود.

قرآن: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾ (آل عمران: ۷۷).

در این صورت، معنای حقیقی انتظار که با عدالت خواهی و حقیقت طلبی گره خورده است، دچار تحریف می گردد.

۴. فردگرایی و گسست از بُعد اجتماعی

اگر مناسک مهدوی صرفاً در سطح فردی باقی بمانند و به پیوند اجتماعی منجر نشوند، از ظرفیت اصلی خود در تقویت تاب آوری اجتماعی فاصله می گیرند. روایت: امام باقر علیه السلام فرمود: «إنما يأمر الله عز وجل بالجماعة» (حر عاملی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ص ۲۹۳).

بی توجهی به بُعد اجتماعی مناسک، موجب تضعیف سرمایه ی جمعی و انسجام شیعه خواهد شد.

۵. تجاری سازی آئین ها

در برخی بسترها، مناسک مهدوی به ویژه آئین های نیمه شعبان یا عزاداری ها، تحت تأثیر فضای تجاری و مصرف گرایانه قرار می گیرند. چنین روندی موجب استحاله ی معنویت در کالبد بازار و اقتصاد می شود.

نقد جامعه شناسختی: بورديو این پدیده را «مصرف نمادین» می نامد؛ جایی که معنا قربانی بازار می شود.

قرآن: ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ (حدید: ۲۰).

این آسیب شناسی نشان می دهد که برای بهره گیری درست از مناسک مهدوی در تقویت تاب آوری، باید مراقب انحراف ها و بدعت ها بود.

پیشنهادهای

با توجه به مطالب پیشین، پیشنهاداتی برای آسیب زدایی از مناسک مهدویت و ارتقاء تاب آوری حداکثری آن ها تقدیم می گردد.

۱. بازخوانی عقلانی و معنوی مناسک براساس قرآن و سنت، برای جلوگیری از آمیختگی با خرافات.

۲. تأکید بر بُعد اجتماعی آئین ها در مساجد، هیئات و اجتماعات دینی برای تقویت

سرمایه‌ی جمعی.

۳. تولید محتوای آموزشی و رسانه‌ای با رویکرد نشانه‌شناختی، برای تعمیق فرهنگ انتظار در نسل جوان.

۴. پرهیز از سیاسی‌سازی ابزاری و حفظ اصالت معنوی و عدالت‌خواهانه‌ی مناسک مهدوی.

۵. توجه به کارکرد جهانی مهدویت در گفت‌وگوهای بین‌الادیانی و بین‌فرهنگی به‌عنوان نمادی از صلح و عدالت جهانی.
در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان گفت:

«مناسک مهدوی به‌مثابه شبکه‌ای از نشانه‌ها، ظرفیت عظیمی در بازتولید تاب‌آوری اجتماعی، انسجام فرهنگی و امید آینده‌محور در جوامع شیعی دارند؛ مشروط به آن‌که با عقلانیت دینی و روی‌کرد اصیل به فرهنگ انتظار مدیریت شوند.»

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که مناسک مهدوی نه تنها اعمال عبادی فردی نیستند، بلکه در سطح اجتماعی کارکردی مهم در بازتولید تاب‌آوری جوامع شیعی دارند. این مناسک به‌مثابه «نشانه» عمل می‌کنند؛ نشانه‌هایی که دلالت بر امید، انسجام، مقاومت فرهنگی و هویت مشترک دارند.

تحلیل نشانه‌شناختی دعای ندبه، زیارت آل‌یاسین، آئین نیمه شعبان و نمادهای مهدوی در عزاداری‌ها، نشان داد که این مناسک حامل لایه‌های عمیق معنایی‌اند که جوامع شیعی را در برابر بحران‌های تاریخی و اجتماعی مقاوم ساخته‌اند. هم‌زمان، آیات قرآن «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵) و روایات «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ»، (ابن بابویه، ۱۴۰۵ق) مبنای الهی و دینی این تاب‌آوری را تأیید می‌کنند.

با این حال، آسیب‌هایی چون سطحی‌نگری، خرافه‌گرایی، سیاسی‌کاری، فردگرایی و تجاری‌سازی مناسک، می‌توانند این ظرفیت عظیم را تهدید کنند.

در عین حال، صیانت از اصالت مناسک و پرهیز از آسیب‌هایی هم‌چون سطحی‌گرایی و خرافه‌گرایی، لازمه‌ی بهره‌برداری پایدار از این ظرفیت‌هاست.

منابع

قرآن کریم نهج البلاغه

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۹ق). *إقبال الأعمال*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- ابن مشهدی، ابو عبدالله محمد بن جعفر. (۱۴۱۹ق). *المزار الكبير*، بی جا: مؤسسه النشر الإسلامی.
- بارت، رولان. (۱۳۸۸). *نشانه شناسی*. ترجمه: پیروز ایزدی. تهران: نشر مرکز.
- بوردیو، پی.یر. (۱۳۹۰). *منطق عمل*. ترجمه: محمد علی مرادی. تهران: نشر نی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعه*. قم: آل البيت.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۱). *صور بنیانی حیات دینی*. ترجمه: باقر پرهام. تهران: نشر مرکز.
- طباطبائی، محمد حسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). *تفسیر جامع البیان*. بیروت: دارالفکر.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ق). *الغیة*. قم: دارالمعارف الإسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ق). *مصباح المتهجد*. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
- کاظمی، سید مهدی. (۱۳۹۸). *مناسک مهدوی و هویت شیعی*. قم: نشر معارف.

- کفعمی، ابراهیم بن علی. (۱۴۰۵ق). *المصباح*. قم: دارالرضی (زاهدی).
- کفعمی، ابراهیم بن علی. (۱۴۱۸ق). *البلد الامین*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ق). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مدرسی طباطبائی، سید حسین. (۱۹۹۲م). *تاریخ تشیع در ایران تا اوایل قرن دهم*. ترجمه: احمد آرام، تهران: علمی و فرهنگی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). *قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه*. تهران: صدرا.
- نصر، سید حسین. (۱۳۸۷). *انتظار موعود و جامعه دینی*. قم: پژوهشگاه علوم اسلامی.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۴۰۵ق). *الغیة*. قم: دارالصحیفة.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۴۱۱ق). *الغیة*. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- The Kristeva Reader. کریستوا، ژولیا، (۱۹۸۶).
- The Semiotic Challenge. بارت، رولان، (۱۹۹۰).
- Algar, H. 2011, "Mahdism in Shi'i Thought." In: Encyclopaedia of Islam.
- Castells, Manuel 1997, *The Power of Identity*, Oxford: Blackwell.
- Durkheim, Émile 1912, *The Elementary Forms of Religious Life*, Paris: Alcan.
- Eco, U. 1997, *A Theory of Semiotics*. Indiana University Press.
- Eco, Umberto. 1976 *A Theory of Semiotics*. Bloomington: Indiana University Press.
- Geertz, Clifford, 1973, *The Interpretation of Cultures*, New York: Basic Books.
- Keddie, Nikki R. 1980, *Roots of Revolution: An Interpretive History of Modern Iran**, New Haven: Yale University Press.
- Luizard, Pierre-Jean, 2004, *La Formation de l'Irak Contemporain*, Paris: CNRS Éditions.

- Norman, Simon. 2018, Community Resilience: Concepts, Applications, and Challenges. Routledge.
- Peirce, C. S. 1931-1958, Collected Papers of Charles Sanders Peirce. Harvard University Press.
- Saussure, F. de, 1983, Course in General Linguistics. Duckworth. (Originally published.
- Saussure, Ferdinand de. 1916, Course in General Linguistics. New York: McGraw-Hill, .
- Turner, Victor. 1969, The Ritual Process: Structure and Anti-Structure. Chicago: Aldine.
- Ungar, Michael, 2008, “Resilience across Cultures”, British Journal of Social Work, 38(2), pp 218-235.
- Walsh, Froma, 2016. Strengthening Family Resilience, New York: Guilford Press.